

عنوان: «داستان ما یکیست»

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- مناجات دوم

۳- بیانات حضرت بهاء الله

۴- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

۵- بیانات حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۶- بیان حضرت ولی امرالله

۷- حکمت بزرگ ظهور بلایا

۸- دستخط معهد اعلی

۹- شهادت در امر بهایی

۱۰- بیانیه جامعه جهانی بهایی (ترجیحا توسط دو نفر قرائت شود)

۱۱- شور و مشورت: به نظر شما از چه راههایی میتوانیم در فراخوان «داستان ما یکیست»

مشارکت نماییم؟

۱۲- برنامه نونهالان و نوجوانان

قسمت اجتماعی

۱۳- تنفس و پذیرایی

۱۴- مناجات خاتمه (به انتخاب جمع)

یاران محبوب الله ابھی

همانگونه که مستحضرید اخیراً جامعه جهانی بهایی به یاد ده تن از اماء الرحمن که چهل سال پیش در شهر شیراز به شهادت رسیدند فراخوانی عمومی داده اند. هدف این فراخوان گرامیداشت یاد این عزیزان شهید و تلاش دیرینه زنان ایرانی برای تحقق برابری است. در این راستا علاوه بر برنامه های پیشنهادی، شرح مختصری از وقایع حیات عنصری ایشان در ذیل آمده است تا در صورت صلاحدید ناظمین عزیز در جمع ارائه گردد.

جاننان خوش باد

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است در جریده عالم دوام ما

منا محمود نژاد (۱۷ ساله)

اول آبان ۶۱ منای ۱۶ ساله را همراه پدرش بازداشت کردند و مدتی بعد به زندان عادل آباد بردند پدر منا روز ۲۲ اسفند اعدام شد. منا نیز به وقت اعدام در خرداد ۶۲ تنها ۱۶ سال و ۸ ماه داشت.

اختر ثابت ۲۵ ساله

پس از غارت خانه و اموال بهائیان در سروستان به تاریخ آذر ۵۷ اختر به اجبار به شیراز رفت. لیسانس پرستاری گرفت و در بیمارستانی مشغول به کار شد. اول آبان ۶۱ دستگیرش کردند و به زندان عادل آباد بردند. او به کودکان خانواده های بهایی آموزه های دینی شان را می آموخت.

رویا اشراقی ۲۳ ساله

رویا در دانشگاه شیراز دامپزشکی می خواند. سال سوم همراه دیگر دانشجویان بهایی اخراج شد. هشتم آذر به همراه پدر و مادرش دستگیر شد. بعدتر هر سه را به زندان عادل آباد بردند. رویا ۲۸ خرداد همراه با مادرش و دو روز بعد از پدرش اعدام شد.

سیمین صابری ۲۴ ساله

سیمین در یک شرکت کشاورزی در مرودشت فارس کار می کرد. اوایل انقلاب به خاطر اعتقاد به آئین بهائی اخراج شد و پس از آن در مغازه یکی از دوستانش مشغول به کار شد. ۲۲ آبان سال ۱۳۶۱ بازداشت شد.

مهشید نیرومند ۲۸ ساله

مehشید در دانشگاه شیراز فیزیک خوانده بود. اما مدرک تحصیلی اش را ندادند هشتم آذر ۱۳۶۱ دستگیر شد. خواهرش می گوید بهانه شان این بود که معلم کودکان بهایی بوده است.

زرین مقیمی ۲۹ ساله

زرین لیسانس ادبیات انگلیسی داشت و در شیراز کار مترجمی می کرد. هشتم آذر به خانه شان ریختند و او را همراه با پدر و مادرش بازداشت کردند مادرش پس از ۵ ماه آزاد شد و پدرش تا دو سال بعد از اعدام او در زندان بود.

شیرین دالوند ۲۷ ساله

سال ۱۳۵۷ خانواده شیرین به انگلستان مهاجرت کردند. او که دانشجوی جامعه شناسی دانشگاه شیراز بود برای اتمام تحصیلش در شیراز ماند. پس از پایان تحصیل او تصمیم گرفت در ایران بماند و هشتم آذر ۱۳۶۱ همراه گروهی از جوانان بهایی بازداشت شد.

طاهره ارجمندی (سیاوشی) ۳۰ ساله

طاهره پرستار بود اوایل انقلاب از کار اخراج شد. خانه شان در یاسوج به دلیل حمله عده ای به تاراج رفت. پس از آن همراه همسرش به شیراز رفتند. چهارم آبان ۱۳۶۱ همسرش و ۸ آذر همان سال خودش را بازداشت کردند. دو روز پیش از اعدام او همسرش جمشید سیاوشی و ۵ بهائی دیگر را به دار آویختند.

نصرت غفرانی (یلدایی) ۵۶ ساله

عضو محفل روحانی شیراز بود. نهم مهر ۱۳۶۱ همراه با همسر و پسرش بازداشت شد. او را در بازداشتگاه بازجویی و شکنجه کردند. روز ۲۸ خرداد او را در همان جایی اعدام کردند که پسرش را دو روز پیش تر به دار آویخته بودند.

عزت اشراقی (جانمی) ۵۸ ساله

هشتم آذر ۱۳۶۱ به همراه همسرش عنایت الله اشراقی و دخترشان رویا بازداشت شد او را همراه با دخترش در میدان چوگان شیراز به دار آویختند.

یادشان گرامی

۱- مناجات شروع

هو الله ای دلبر مهربان این یاران سرمست جام پیمانند و در محبت سرگشته و بادیه پیمایم. از فراق پر احتراقند و به اشراق در نهایت اشتیاق. از ملکوت غیب جهان پنهان تجلی عنایت نما و پرتو موهبت افشان. هر دم فیضی جدید فرست و فضلی بدیع پدید فرما. ای پروردگار ما ناتوانیم تو توانا؛ مورانیم و تو سلیمان ملکوت ابهی؛ عنایتی فرما؛ موهبتی بنما؛ تا شعله ئی زنیم و لمعه ئی نثار کنیم. قوتی بنماییم و خدمتی مجری داریم؛ سبب نورانیت این جهان ظلمانی گردیم و روحانیت در این خاکدان فانی؛ دمی نیاسائیم و خود را به شئون فانیّه نیالائیم؛ بزم هدایت بیارائیم و به خون خویش آیات محبت بنگاریم؛ خوف و خطر بگذاریم؛ شجر پر ثمر شویم و در این جهان بی بنیان سبب ظهور کمالات عالم انسان گردیم. انک انت الکریم الرحیم الغفور التّواب. ع ع

مجموعه مناجاتها ص ۳۲۴

هو الله

ای مولای بی همتا نظری از رفر ف اسما، بر این بندگان بینوا در عالم ادنی کن و قوه و استطاعتی بر اجرای وصایایت و تحقق نوایایت عطا نما. تو واقف بر حال پر ملال این مستمندانی و تویی یگانه و دستگیر. این درماندگان، آشفتهگان آن روی دلارائیم. این غمزدگان را تو تسلی ده. خسته هجر و فراقیم، این ماتم زدگان را تو توانایی بخش. اگر مددی از عالم بالا به این ضعفا در ملک ادنی نرسد، کل مفقودیم و معدوم و از ثمره حیات کل ممنوعیم و محروم؛ پس دست اقتدار از جیب مشیت، برون آر و این جمع پریشان را عزیز دو جهان کن. غیوم هموم و غموم را به ید بیضایت، متشتت نما و در عروق این منجمدان روح حیات را به جریان و سریان آر.... بانیان قصر مشیدت که در محنت و مشقتند، در امور گشایش و برکتی احسان کن و بر اکمال و انجام مشروعات باهره آینده آئین خویش، قوت و توانایی بخش.

۳- بیانات مبارکه حضرت بهاءالله

"شهادت دست نمیدهد الا بندرت ؛ آنهاهم لِأجل حیات عالم و ظهورات صنایع و علوم و فنون . وجود این مقام مثل وجود عنقاست در اقطار عالم ؛ به قول مذکور و به فعل مفقود ."

آیات الهی ج ۱ ص ۱۹۲

"غافلان به گمان باطل، قتل و صلب را علت انخمدار نار کلمه الهیه تصور نموده اند و شهادت را نهایت اذیت پنداشته اند غافل از آن که سبب ارتفاع و اعلاهی امر الهی است و علت وصول شهیدان به مقامات قرب نامتناهی."

پیام آسمانی ج ۱ ص ۷۲

۶- بیان حضرت ولی امرالله

اهراق دماء مطهره شهیدان ایران است که عاقبت الامر آن اقلیم را جنت النعیم فرماید و به فرموده مرکز میثاق بها، حضرت عبدالبها « دولت وطنی جمال مبارک را در جمیع بسیط زمین محترمتترین حکومتات و ایران را معمورترین بقاع عالم» نماید.

اهراق دماء مطهره شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر گوهر افشان اعز ابهائی روی زمین را بهشت برین نماید و سراپرده وحدت عالم انسانی را کما نُزِلَ فی الالواح در قطب آفاق مرتفع سازد و وحدت اصلیه را جلوه دهد و صلح اعظم را تاسیس فرماید و عالم ادنی را مرآت جنت ابهی گرداند و یوم تَبْدِلُ الارض غیر الارض را بر عالمیان ثابت و محقق نماید.

پیام آسمانی ج ۱ ص

۴- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء در لوحی خطاب به جناب کلاتر در دهج می‌فرماید:

"قوت حق قاهر بر خلق، مشیت الهی غالب بر حقایق انسانیّه. نار موقده را هرچند بر اخماد
برخواستند شعله بیشتر زد و سراج الهی را هرچند بر اطفاء کوشیدند پرتوش درخشنده‌تر
گشت تا آن که حال جهان به جنبش آمده و آفرینش آرایش یافته عنقریب خیمه آسایش
بلند گردد و ظلّ ممدود کلّ را احاطه فرماید بحر حقیقت چنان موج زند که سواحل کائنات
را غرق فرماید نعره یابشری یا بشری از آن خطه و دیار شهدا به ملکوت اعلیٰ رسد؛ زخم‌ها
مرهم یابد، دردها درمان شود، دل‌های شکسته تسلی جوید، گل‌های پژمرده طراوت و لطافت
بنماید. مثلی است مشهور، تا نگرید ابر کی خندد چمن. این دماء مطهر که تراب اغبر را
رشک لاله‌احمر نمود چنان جوشی زند که خطّه ایران را جنت رضوان نماید روح و ریحان
بخشد، ریاحین عرفان برویاند، آهنگ ملاءعلی بلند کند و نغمه و آواز خوشی در هر
کشوری اندازد."

مآخذ اشعار در آثار بهائی، ج ۲، ۳۳۱

۵- بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

"این شهادت کبری سبب نصرت عظمی است آن خون رنگین عاقبت آن مدینه را بهشت برین نماید. اطبا بر آنند که قوت خون بسیار است، در پای هر شجری ریخته گردد، آن درخت تناور شود و شکوفه و ثمر بی حد و حصر دهد. این تاثیر خون بهائم است دیگر معلوم است که چنین خون مبارک انسانی در پای شجره مبارکه چقدر سبب قوت و نمو و شکوفه و ثمر گردد..."

پیام آسمانی ج ۱ ص ۷۱

"عنقریب از سقایه به خون، مزرعه امرالله چنان گل و ریاحین برویاند که شرق و غرب معطر گردد و جنوب و شمال معنبر شود."

پیام آسمانی ج ۱ ص ۷۳

۸- دستخط معهد اعلی

در این ایام که هم میهنان شما نه تنها در آرمانها بلکه در رویارویی با مشقات نیز بیش از هر زمان شریک شما شده اند و در معرض صدمات بیشمار قرار گرفته اند و زخمهای عدیده و شگفت آوری را متحمل اند که از دردش هر ضمیر آگاهی جریحه دار است و هر قلب صافی شکسته و دردناک سزاوار است که شما دلاوران دوران چون شمع تابان نور امید بیفشانید و به سان شعله فروزان گرمی محبت بخشید. هر بیمار را پرستار گردید و هر زخم دار را مرهم گذار. هر مبتلا را غمخوار شوید و هر بینصیب را معین و حبیب خدمتگذار. تجارب گرانمایه خویش را بر هموطنان ارزان نمایید و ایمان و اطمینان به آینده درخشان ایران و جمیع عالم انسان را در قلوب همگان زنده کنید. نوروز ۱۸۰

۷- حکمت بزرگ ظهور بلایا

حضرت ولی امرالله بعد از رسیدن خبر شهادت جناب امین‌العلمای اردبیلی به سمع هیکل مبارک توقیعی را به تاریخ 8 اردیبهشت 1306 خطاب به محفل روحانی و دیگر یاران رحمانی صادر فرمودند. این توقیع به امضاء کاتب هیکل مبارک است. در آن آمده است:

"آن دوستان به یقین مبین بدانند که یک حکمت بزرگ ظهور این بلایا و وقوع این قربانی‌ها شدت اعلاء کلمه‌الله است و کثرت اشتهار دین‌الله تا هر بیگانه و آشنا به رأی‌العین مشاهده نماید که پس از صعود جمال انور عهدالله، نداءالله بلندتر شد و جانفشانی اهل بهاء بیشتر و انجذاب حزب وفا شدیدتر و حدت و ثبات پیروان آئین روزافزون گشت و شریعه مقدسه الهیه با وجود بلایای گوناگون از هر خطری محفوظ و مصون؛ صیت الهی جهانگیرتر آمد و صوت منجذبان ملکوت دلاویزتر. این است که در لوح سلمان از قلم رحمن نازل و صادر که آنچه در ارض مشاهده نمایی ولو به ظاهر مخالف اراده ظاهریه هیاکل امریه واقع شود، ولکن کلّ به اراده باطنیه الهیه بوده و خواهد بود."

مصابیح هدایت، ج ۲، ص ۴۶۸

گاهی عاشقی را بی آن که سلاح به دست گیرد می‌کشند؛ بی آن که به جنگ پردازد به خاک می‌افکنند؛ بی آن که دست بیازد سر می‌برند؛ بی آن که بر کسی بتازد، گردن می‌زنند. در چنین وضعی از یک جانب ستم به اوج خود می‌رسد، دل در سینه دشمن سنگ خارا می‌شود، مردمی از میان می‌رود، شرف معنی خود را از دست می‌دهد، شخص انسان به حدّ گرگ بیابان یا کفتار لاشخوار فرو میافتد، حاجب الدوله و ابن الذئب و ظلّ السلطان میشود. از جانب دیگر قوّت ایمان به حدّ اکثر امکان جلوه می‌کند، هیچگونه شائبه‌ای عشق دلدادۀ آزاده را آلوده نمی‌سازد. هرگاه مدّعی ایمان به جنگ و ستیر برمیخاست احتمال آن می‌رفت که کوشش او تنها به امید پیروزی باشد؛ امکان داشت تصوّر کنیم که به جان می‌زند تا به نان برسد؛ به میدان قتال می‌رود تا به ایوان جلال بیاید؛ اگر به شکست خود یقین کند مهر دلدار را از دل می‌راند و برای حفظ جان دست از جانان فرو می‌شوید. پس، نثار جان در چنین حالی و از چنین کسی نشان ایثار نیست. حق این است که شهدا مرگ را آرزو می‌کنند. آنان که چنین می‌کنند شهادت به بقای نفس انسان می‌دهند. اثبات وجود حیات در جهان برین می‌کنند. با مرگ خود به دیگران می‌گویند که در آن سوی گور نشان از هستی جاویدان گرفته‌اند. به عمل اثبات می‌کنند که امر خدا در دل و جان اهل ایمان نافذ است. کلمه الهیه خلاقیت دارد و حقانیت آن در همین جا است. بدین سبب است که خون پاکی که در راه خدا به خاک ریزد تأثیر شدید در عالم معنی می‌بخشد. درخت ایمان را تناور و بارور و سایه گستر می‌سازد. ندای امر را تا اوج افلاک می‌رساند. بدین سبب است که شهادت حسین بن علی حافظ حیات اسلام می‌گردد. شهادت نقطه اولی اعلاّی امر جمال ابهی می‌کند. شهادت بدیع به خلق جدید تعبیر می‌شود. شهادت سلطان الشّهداء "طراز کتاب وفا" نام می‌گیرد.

۱۰- بیانیه جامعه جهانی بهائی

اعدام دسته جمعی ۱۰ زن بهائی در چهل سال پیش: کمپین جهانی به یاد این زنان و در حمایت از برابری جنسیتی در ایران فراخون عمومی برای آثار هنری میدهد

ژنو- ۱۵ مه ۲۰۲۳ (۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲) - روز ۸ ژوئن ۲۰۲۳ (۲۸ خرداد ۱۴۰۲) چهلمین سالگرد اعدام ۱۰ زن بهائی در شیراز است که در یک شب توسط جمهوری اسلامی در میدان چوگان شیراز به دار آویخته شدند. جرم آنها انکار نکردن باور به آئینی بود که اصل برابری جنسیتی - که در ایران وجود ندارد و جرم انگاری میشود - و همچنین وحدت، عدالت و راستگویی را ترویج میکند.

در تلاشی بیرحمانه برای وادار کردن این زنان به انکار باورشان آنها را یکی بعد از دیگری و در حالی که مجبور به تماشای اعدام دیگر زنان بودند به دار آویختند. یکی از آنها تنها ۱۷ سال داشت و بیشتر آنها بیست و چند سال سن داشتند. این رویداد تکان دهنده و اقدام وحشیانه حکومت ایران با بهت و خشم گروههای حقوق بشر و شهروندان عادی در سراسر جهان مواجه شد.

رهبران جهان در آن زمان موجی از درخواستها را برای آزادی زنان و مردان بهائی که محکوم به اعدام شده بودند به راه انداختند اما این تلاشها نتیجه ای نداد.

جامعه جهانی بهایی اکنون یک کمپین جهانی با عنوان «داستان ما یکیست» (Our Story Is One) راه اندازی میکند که هدفش گرامیداشت این زنان اعدامی و تلاش دیرینه زنان ایرانی از هر عقیده و پیشینه ای برای تحقق برابری جنسیتی در دهه های گذشته است؛ تلاشی که تا به امروز ادامه دارد.

سیمین فهندژ نماینده جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل در ژنو میگوید: «داستان این ۱۰ زن بهائی به پایان نرسیده است. اعدام آنها فصلی از داستان ادامه دار استقامت و فداکاری زنان ایرانی در مسیر برابری است. امروز در خون و اشک و زخم هزاران زن جوان در ایران که خواهان تحقق برابری اند، میتوان طنین بی عدالتی وارد شده بر ۱۰ زن شیراز را دید که مرگ دلخراش شان زندگی بسیاری را تحت تاثیر قرار داده است. ما امروز شاهد همان روحیه و همان انتخاب از سوی مردم به ویژه زنان هستیم: دفاع از اصول عدالت و برابری با نهایت تلاش. امروز زنان ایران هر چند مورد بدرفتاری قرار میگیرند و زندانی میشوند- درست مانند زنان پیش از خود- با شهامت و شجاعت انتخاب کرده اند تا برای زندگی در ایرانی آباد و دادگستر کوشا باشند.»

در برخی موارد علت دستگیری زنان بهائی اعدام شده برگزاری کلاسهای تعلیم و تربیت اخلاقی برای کودکان دختر و پسر بود. بهائیان ایران از قرن نوزدهم میلادی با تلاشهایی در سطوح مختلف، از جمله تاسیس مدارس دخترانه برای ترویج برابری جنسیتی کوشش کرده اند. پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷)، بهائیان به ویژه به دلیل ترویج برابری کامل زنان و مردان، که به زنان اجازه میداد در تمام جنبه های زندگی اجتماعی شرکت کنند و به اجتماعاتی که مردان در آن حضور داشتند پیوندند مورد هدف قرار گرفتند.

خانم فهندژ افزود: «جامعه بهایی ایران همواره خواستار مشارکت همه جانبه زنان در تمامی عرصه های حیات اجتماع از جمله در فرآیندهای تصمیم گیری بوده و هزینه سنگینی برای آن پرداخته است. جامعه بهایی با تحمل بیش از ۴۰ سال آزار و اذیت سیستماتیک که متأسفانه اکنون دامن همه ایرانیان را گرفته است و با وجود عواقب بسیار زیادی که برایش داشته بر حق خود برای خدمت به ایران که برای بهائیان سرزمینی مقدس است از طریق

ترویج اصولی مانند برابری جنسیتی، عدالت و دسترسی به آموزش و پرورش پافشاری کرده است.»

پس از اعدام این ۱۰ زن و طی چهار دهه پس از آن، صدها زن بهایی دیگری مورد آزار و اذیت شدید قرار گرفته اند و هم به عنوان زن و هم به عنوان بهایی با تبعیض مضاعف مواجه شده اند. پس از انقلاب، زنان بهایی که در مناصب برجسته اجتماعی به کشور خدمت میکردند، از مشاغل خود اخراج گشتند و دستگیر، زندانی، شکنجه و یا اعدام شدند. آنهایی که از این وقایع جان به در بردند از ورود به دانشگاهها، مشاغل دولتی و تقریباً تمام جنبه های حیات اجتماعی محروم شدند.

جامعه بهایی اکنون در بزرگداشت ۱۰ زن شیراز و آرمان عدالت و برابری که آنان جان خود را برای آن فدا کردند از مردمان جهان، هنرمندان، موسیقی دانان، فیلمسازان و سایر فعالان در زمینه های مختلف هنری دعوت میکند تا یاد آنان را گرامی بدارند. مشارکتها میتواند در قالب ترانه هایی درباره این ۱۰ زن، ویدئوهای کوتاه درباره زندگی آنها، خاطره ای از این زنان، هنرهای گرافیکی، آثار نوشتاری یا پستهایی در شبکه های اجتماعی، نشستهای عمومی و جلسات یادبود باشد تا از تلاشهای بلند مدت برای برابری جنسیتی در ایران تمجید شود.

این کمپین در ماه ژوئن (خرداد) آغاز میشود و برای یکسال ادامه دارد. اما دوره فشرده آن از اول ماه ژوئن (۱۱ خرداد) آغاز و تا چهلمین سالگرد اعدام این ۱۰ زن در روز ۱۸ ژوئن (۲۸ خرداد) ادامه خواهد یافت.

خانم فهندژ افزود: «ایرانیان در جستجوی عدالت اجتماعی، بیشتر و بیشتر با هم متحد میشوند و امروز بر روی برابری زنان و مردان به عنوان یکی از مهمترین چالشهای پیش روی کشورشان تمرکز کرده اند. ما امیدواریم در کنار هم بتوانیم نه تنها یاد ۱۰ زن شیراز بلکه

تمامی زنانی را که در سراسر ایران اصل برابری زنان و مردان را ارج مینهند و با استقامتشان در برابر ظلم به ساختن آینده ای بهتر برای کشور کمک کرده اند گرامی بداریم.»

«بیاید در کنار هم بایستیم و بگذاریم تجارب مشترکمان از استقامت و تلاشها و فداکاریهای جمعیمان برای ایران ما را متحد کند و نشان دهیم که فارغ از هر دین و پیشینه، به طور جدایی ناپذیری به هم پیوند خورده ایم. امیدواریم یادبود اعدام این ۱۰ زن، سبب روشنگری و تقویت گفتگوها درباره عدالت و برابری جنسیتی در ایران شود. داستان ما یکی است و تا تحقق آرمانهای مشترکمان صداهایمان را بلند میکنیم.»